

جایگاه عرفان اسلامی و نسبت تاریخی ما و تمدن پیش رو

باسمه تعالی

با نظر به آیه مبارک «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الزَّحَمِ/29) همواره حضرت حق با نظر به تقاضای ما جلوه‌ای از جلوات و اسماء خود را در جوابگویی به نیاز ما در زمانه‌ای که در آن هستیم، به ظهور می‌آورد و با توجه به این امر، تا ما نسبت خود را با حقیقت تاریخی دوران خود یعنی «انقلاب اسلامی» قطع نکرده‌ایم، آن حقیقت همواره چهره‌های پنهان خود را بر ما می‌گشاید و این‌طور نیست که جلوه‌ای از حقیقت یک بار برای همیشه انجام گیرد و تمام شود، بلکه بر عکس، تا ما عهد خود را با آن حقیقت، پایدار نگه می‌داریم؛ گشودگی‌ها ادامه دارد. زیرا به حکم «كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» در هر مرحله از حقیقت تاریخی دوران‌مان با چهره‌ای از آن روبه‌روئیم و بدین لحاظ همواره باید نسبت خود را با انقلاب اسلامی و آنچه در پیش رو داریم، بازخوانی کنیم و در این رابطه می‌توان موارد زیر را مد نظر داشت.

رهایی از گسستگی نسبت به آینده و گذشته

1- باید متوجه بود با حضور در تاریخی که در آن قرار داریم می‌توان به وحدت آینده و گذشته، در زمان حال اندیشید و از گسستگی نسبت به آینده و گذشته رها شد و با برقراری ارتباط با سنت‌های تاریخی گوناگون و توجه زنده به آنها، آنها را در اکنون حاضر کرد و به پاسخ‌گویی به زمانه خود وارد شد و به ظهور تمدنی که در پیش است، امیدوار بود.

مشکل انسان تک‌ساحتی

2- اگر تمدن غربی به گفته «مارکوژه» انسان را «تک‌ساحتی» می‌کند، یعنی حالتی برای انسان پیش می‌آید که از «شدن» و باز «شدن» که نظر به

ذات گسترده انسان دارد، باز بماند. خودآگاهی بشر جدید نسبت به این امر موجب شده تا به جهانی دیگر بیندیشد و نسبت به خود به تلقی دیگری برسد که با «نه گفتن» او آغاز می‌شود. «نه گفتن» نسبت به راهی که در آن قرار دارد و قدم‌گذاران در راهی که ساحات قدسی او را مدّ نظر دارد، امری که انقلاب اسلامی مدّ نظرها آورده؛ و «نه گفتن» نسبت به گذشته‌ای که جوابگوی بودن امروزین او نیست، بدون آن‌که بخواهد آن گذشته را به‌کلی نفی کند.

درک تاریخی شهید آوینی

3- شهید مرتضی آوینی با درک تاریخی که از انقلاب اسلامی پیدا کرده بود، در نامه‌ای که به برادرش در سال ۱۳۵۸ می‌نویسد متذکرین امر مهم می‌گردد که «ایران، مادر تمدن نوینی است که معیارها و مقیاس‌هایی دیگر دارد و حکمت و فلسفه‌ای دیگر و هنری دیگر و... ادبیاتی دیگر. من هرگز نمی‌توانم وسعت مکتبی و فرهنگی این انقلاب را در این نامه تصور کنم که عشق خمینی بزرگ و عظمت فرهنگی آن چه می‌گوید، مرا آن‌چنان شیفته خود ساخته است که نمی‌توانم جز به حکمتی که در حال تدوین آن هستم بیندیشم.»

راهی غیر از راهی که تمدن غربی مقابل بشر گشوده

4- وقتی رهبر انقلاب اسلامی با نگاه حکیمانه خود در رابطه با جریان‌های اخیر باریکه غزه می‌فرمایند:

«دولت‌های غربی در حوادث امسال، ذات شریر تمدن غربی را علناً به دنیا نشان دادند. ماها می‌گفتیم، منتقدین تمدن غربی بارها تکرار می‌کردند، می‌گفتند که این تمدن بر پایه شرارت بنا شده، بر پایه جدایی و عناد با معنویت و فضایل معنوی و ارزش‌های معنوی بنا شده است؛ از آن انتظار خیر

نمی‌شود داشت؛ این را همه می‌گفتند، اما در حوادث این شش ماه گذشته در مسئله غزه و فلسطین، خود دولت‌های غربی این ذات شیر را در مقابل چشم همه دنیا قرار دادند؛ نشان دادند که این تمدن چه تمدنی است؛» (1403/1/22)

معلوم می‌شود راهی که بتوان به عنوان راهی واقعی انتخاب کرد راهی است غیر از آنچه تمدن مدرن در مقابل بشر قرار داد. یعنی باید در راهی قدم گذاشت که با معارف توحیدی و عرفانی خود بتوانیم آهسته بیندیشیم و صبورانه در هستی حاضر شویم تا معنای انسانیت انسان به حاشیه نرود و انسان دوستی مبنای زندگی امروزین ما در این تاریخ باشد و انسان در این چشم انداز معنی خود را با نظر به انسان کاملی که حی و حاضر است، می‌یابد.

نگهبانی از «خود» و انقلاب اسلامی چگونه؟

5- چگونه می‌توان نگهبانان انقلاب اسلامی بود اگر آن را حقیقت وجودی دوران ندانیم؟ آیا جز با گوش‌سپردن به آن از طریق وجود خود - به معنای عبور از دوگانگی سوژه و اُبژه - و با به زبان آوردن تعلق خاطر که به آن داریم، می‌توانیم بار سنگین مسئولیت این دوران را به دوش بگیریم و در وسعت و درخشش خود حاضر شویم؟

معنای رخداد تاریخی

6- آری! باید متوجه بود که رخداد تاریخی، یک نوع آشکارشدن است برای جان انسان، مثل فهمیدن‌های معمولی نیست، انسان در آن واقع می‌شود و اگر نسبت به آن خودآگاهی پیدا کند می‌تواند از آن تغذیه کند و با آن هماهنگ گردد، در آن صورت به داخل آن رخداد کشیده می‌شود و در آن حالت امری معنادار، اعتبار و مرجعیت خود را بر آن فرد یا ملت حاکم می‌گرداند و به آن ملت خطاب می‌کند و آن ملت آن معنا را از خود

می‌کند و حاضر می‌شود با آن زندگی کند و به آن آری بگوید.

تدبّر و توجه به پشت صحنه رخداد تاریخی

7- ما در انقلاب اسلامی در همراهی با عارفی بزرگ یعنی حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» در داخل رخداد حقیقت این دوران قرار گرفته‌ایم، قبل از آنکه فکر کنیم چگونه باید به آن باور داشته باشیم. با پیش‌فهم‌هایی که در میدان بود نسبت به امور معنادار و معنوی که در «سنت» رخ می‌نمایاند و در افق درونی انسان‌ها عالمی را به آن‌ها عطا می‌کند و انسان‌ها در آن عالم از خود، فهمی خاص پیدا می‌کنند و امروز وظیفه ما جهت تفسیر این رخداد، توجه به پشت صحنه آن است تا بیرون از فرهنگ مدرنیته، فهم تازه‌ای از خود پیدا کنیم و وارد تاریخی اثرگذار شویم و اینجا است که نیازمان به آموزه‌ها و معارف عرفانی و حکمت متعالیه صدرایی در بستر «اصالت وجود» به میان می‌آید.

شهداء و شنیدن ندای بی‌صدای این تاریخ

8- ندای بی‌صدای وجود، از ما گوش خاصی را طلب می‌کند. شهداء ندای بی‌صدای وجود این تاریخ را ذیل حضور حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» شنیدند. به همان معنایی که رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» می‌فرمایند: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ ذَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»، در حین روزگاران عمرتان، نفحاتی از طرف پروردگارتان به صحنه خواهد آمد، آگاه و هوشیار باشید و خود را در معرض آن نفحات قرار دهید. و معنای نظر به انقلاب اسلامی به عنوان حقیقت این روزگار باید از این نوع باشد، نه آنکه بخواهیم با عقل انتزاعی به آن نظر کنیم.

طلوع زبانی دیگر

9- وقتی انسان‌ها با حقیقت دوران، به صورتی که مناسب ارتباط با آن است، مرتبط شوند عملاً خود زبان است که گفت خویشتن را به آدمی نشان می‌دهد. در این حال شنیدن و گفتن خاصی به صحنه می‌آید، شنیدن سخن هستی و اظهار آن به همان صورتی که مولوی می‌گوید:

«به طریق ترجمانی من از او سخن بگیرم به شما جواب گویم» و شهید مرتضی آوینی نماد روشن آن شد.
تا معنای بودن مان فراموش نشود

10- انقلاب اسلامی بستر زندگی انسان بر روی زمین است، در حالی که نظر به آسمان دارد. امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» آمد تا ما در عین زندگی بر روی زمین، در قرب الهی به سر ببریم و با زبان و عمل، گزارشگر چنین دریافتی باشیم و معنای بودن مان فراموش نشود و در آوراگی بازگشت به خانه، سکنی گزیدن را رقم بزنیم و این از جهتی راز این تاریخ است که مثل هر رازی، در عین آشکارگی، پنهان است و خود را در آنچه آشکار شده، پنهان می کنند تا بیش از پیش در انتظار او باشیم، انتظاری که در اکنون خود از آن بیگانه نیستیم.

اقامت در اشتیاق رجوع به حق

11- سکنی گزیدن از طریق انقلاب اسلامی در این عالم، همان شوقی است که رزمندگان را در شب عملیات در برگرفت تا در تاریخی به وسعت حضور یاران حسین «علیه السلام» در عالم، حاضر شوند. انسان می تواند در این اشتیاق و شوق، اقامت گزیند و همچنان در سیر رجوع به حق قرار داشته باشد. این است سلوک عارفانه ای این دوران که انسان را همواره در مقام فکر و ذکر قرار می دهد و منشأ تقرب او به عالم معنا می گردد و او افق آینده را همواره گشوده می یابد و از بی آیندگی و از آتش پوچی دوران آزاد می شود و منور به عطای حقیقت دوران خواهد شد و در این حال، «وقت» او وقت مبارک است. زیرا فضای فتوح و گشودگی برای او فراهم شده و مسئول به زبان آوردن آن وقت گشته، با واژگانی بس مبارک که در آن واژگان، انسان ماورای گذشته و آینده، در «حال» با حقیقت دوران روبه روست و آنچه را یافته است به طریقی ماندگار در خانه ی قرب، وسعت می دهد و به بنیاد تاریخی که شروع شده و زندگی را در عین قدسی بودن، قوام بخشیده، می اندیشد و در آن بستر زندگی می کند و سخن می گوید.

باقی‌ماندن بر عهدی که گشوده شد

12- آیا نمی‌توانیم با پاسخ به ندای وجود، ذیل حقیقت توحید ربوبی، دوران تاریخی خود را بنیاد نهیم؟ و به ندای «وقت» این ملت گوش سپاریم و آن را به کلمات درآوریم و آن را مبنای تاریخ این ملت بگردانیم؟ تا تاریخ وحدت و تفاهم که راز نجات از همه دوگانگی‌ها و کینه‌هاست گشوده شود. مثل کاری که حضرت سیدالشهداء «علیه السلام» در شب عاشورا انجام دادند و اصحاب را متوجه «وقت» تاریخی‌شان نمودند و آن وحدت چشم‌گیر و آن یگانگی فوق‌العاده را در روز عاشورا همه با هم رقم زدند. مثل اوایل انقلاب اسلامی که همه به حواله تاریخ قدسی خود رو کردند و ما هرگز آن گشودگی را فراموش نمی‌کنیم و تا آخر در عهد با آن به حیات خود معنا خواهیم داد. این است باقی‌ماندن بر عهد و خاطره‌ای که برای هر ملتی گشوده می‌شود تا راه را گم نکند.

معنای فطرت تاریخی

13- مردم در اوائل انقلاب به منشأ تاریخی خود اقبال نمودند و آن را حس کردند و ما باید دائماً متذکر آن باشیم. این، آن فطرت تاریخی ماست که باید همواره با آن زندگی کنیم. این، آن آینده تاریخی ماست که ما را در برگرفته و چون ما را در برگرفته، از آن غفلت می‌کنیم و وظیفه صاحبان فکر و ذکر است که متذکر آن به قوم خود باشند و آن قوم را از ژرفای وجود خودشان آگاه کنند. این، آن چیزی است که جان انسان‌ها می‌طلبد و در عین حال دائماً از آن غفلت می‌کنند و فراموش می‌کنند که در وجود خود که همان فطرت است، آن را پذیرفته‌اند.

انقلاب اسلامی؛ رویکردی به سوی حقیقت

14- در این دوران که دوران انقلاب اسلامی است، باید متوجه بود انقلاب اسلامی همان رویکرد ما می‌باشد به سوی حقیقت، به سوی حقیقتی که با آغاز انقلاب اسلامی به عنوان آغازی دیگر به ظهور آمد و ما را در برگرفته است. کیست که در جان خود از رویکرد به سوی حقیقت، رویگردان باشد و بدان رضایت ندهد؟ آیا

وظیفه متفکران واقعی آن نیست تا قدرت توجه به امر قدسی را به مردمان برگردانند و نگذارند روزمرگی‌ها آن‌ها را برُباید. چنین کسانی خویشاوندان اصلی حقیقتِ قدسی این دوران می‌باشند در هر لباسی که باشند.

والسلام